Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۳۹
شنبه / ۲۵ بهمن / ۱۴۰۴
۲۵ / شعبان / ۱۴۴۷
14 / February / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶، دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۴۴ امروز با حافظ

بر طَرَفِ گلشنم گذر افتاد وقتِ صبح
آن دَم که کارِ مرغِ سحر آه و ناله بود
دیدیم شعرِ دلکش حافظ به مدحِ شاه
یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود

فرازها

مقصود عاشقان دو عالم
لقای توست
مطلوب طالبان به حقیقت
رضای توست

سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۲۹	۰۶:۵۳	۱۲:۲۰	۱۷:۴۷	۱۸:۰۶

برگه

خوش بین ها می گویند ما در بهترین جهان ممکن زندگی می‌کنیم و بدبین ها می‌ترسند که نکند حق با آن‌ها باشد...

جیمز بریچ کابل

گزارش روز

کشورهای منطقه جنگ می خواهند یا صلح؟

ایران اعلام کرده که اگر قرار است اطمینان دهد هدف از توسعه هسته ای، ساخت سلاح نیست، در مقابل، انتظارات طبیعی و منطقی کشور ما این است که تحریم‌های اقتصادی که سال‌هاست زندگی مردم را هدف قرار می‌دهند، لغو شده و شرایط اقتصادی عادی شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فارو، همزمان با آغاز مذاکرات ایالات متحده و ایران، بار دیگر بازیگران منطقه‌ای نیز در تلاشند مسیرهای دیپلماسی منطقه‌ای را برای به ثمر رسیدن مذاکرات پررنگ‌تر کنند. سرگئی لاوروف و بدر البوسعیدی وزرای خارجه روسیه و عمان از جمله مقاماتی هستند که اخیراً گفتگو و تاکید کرده‌اند طرفین باید در مسیر دیپلماسی حرکت کنند. بر اساس این بیانیه، مسکو و مسقط بر این باورند که تداوم و تشویق گفت‌وگوهای بیشتر میان ایران و آمریکا برای دستیابی به توافق‌هایی که بتواند خطر درگیری را کاهش دهد و ثبات منطقه را تضمین کند، ضروری است. دور جدید گفت وگوهای هسته‌ای ایران و آمریکا پس از جنگ ۱۲ روزه، روز جمعه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، در مسقط با وساطت سلطنت عمان برگزار شد. همزمان با این اتفاقات، برخی رسانه‌های عبری مدعی اند نتانیاهو در جریان سفر به واشنگتن از ترامپ خواسته که در هر گونه توافق، محدودیت‌هایی را بر بُرد موشک‌ها و خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران لحاظ کند.

با توجه به این شرایط پرسش‌هایی درباره نقش کشورهای منطقه و اسرائیل مطرح است. محسن پاک آیین، سفیر پیشین ایران در آذربایجان و تحلیلگر سیاست خارجی، به بررسی این موضوع پرداخته است:

همه کشورهای منطقه به جز رژیم صهیونیستی نگران جنگی بزرگ هستند

محسن پاک آیین به فارو گفت: «اغراق نیست اگر گفته شود امروز تقریباً همه بازیگران اصلی صحنه سیاست منطقه ای، به جز رژیم صهیونیستی، از شکل گیری توافق میان ایران و آمریکا حمایت می کنند. این همراهی نه از سر همدلی با ایران است و نه در این جهت که بخواهند به تقویت مواضع امریکا کمک کنند، بلکه نتیجه نگرانی آشکار کشورهای منطقه از پیامدهای بحرانی است که رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد آن است. ما درباره منطقه‌ای صحبت می کنیم که بخش بزرگی از انرژی جهان در آن تولید و منتقل می‌شود و کوچک‌ترین تنش در این منطقه نیز می‌تواند بازارهای جهانی را با شوک‌های غیرقابل پیش بینی مواجه کند. از همین رواست که بسیاری از کشورهای منطقه به دنبال تقویت مسیر دیپلماسی هستند».

وی افزود: «در سطح منطقه تقریباً همه دولت‌ها نگران پیامدهای یک رویارویی مستقیم میان ایران و آمریکا هستند. کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و حتی کشورهایی مثل ترکیه مایلند نقش میانجی داشته باشند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که یک درگیری بزرگ در منطقه می‌تواند به سرعت از کنترل خارج شود و همه مسیرهای تجاری و انرژی را تحت تأثیر قرار دهد. دولت‌هایی که طی سال‌های اخیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، جذب سرمایه و روابط خارجی خود را آغاز کرده‌اند، می‌دانند هر نوع جنگ، منطقه را به چرخه‌های بی‌ثباتی وارد می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از آن‌ها تلاش می‌کنند از طریق کانال‌های دیپلماتیک و ارتباطات سیاسی، وضعیت را با ثبات کنند. رفتارهای اخیر روسیه و عمان و اظهارنظرهای مقام‌های روسیه را می‌توان نشانه‌ای از همین موضوع دانست».

شرط ایران مشخص است: کاهش غنی‌سازی دربرابر لغو تحریم‌ها

این دیپلمات ایرانی در ادامه گفت: «کشورهای روسیه، عمان، ترکیه، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، هر یک بنا بر روابط و منافع خود، در این مسیر فعال هستند. عمان همیشه نقش سنتی در میانجی‌گری میان ایران و غرب دارد. قطر از رابطه نزدیک با آمریکا و ارتباطات منطقه‌ای بهره می‌برد. عربستان و امارات نیز به دلیل آسیب‌پذیری مستقیم در برابر جنگ، در پی تثبیت وضعیت امنیتی منطقه هستند. همه این کشورها می‌دانند که یک حمله احتمالی آمریکا، به‌خصوص در شرایط فعلی، ممکن است ظرف چند ساعت به جنگی با ابعادی بسیار وسیع تبدیل شود». وی افزود: «در مقابل، مواضع جمهوری اسلامی ایران کاملاً روشن، دقیق و بدون ابهام اعلام شده است. تهران بارها گفته‌است که تنها کانون فعالیت هسته‌ای ایران، برنامه صلح‌آمیز است. همچنین ایران تاکید کرده که هدف از برنامه هسته ای، تولید انرژی، پیشبرد پروژه‌های علمی و نیازهای غیرنظامی است و همیشه زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. ایران اعلام کرده که اگر قرار است اطمینان دهد هدف از توسعه هسته ای، ساخت سلاح نیست، در مقابل، انتظارات طبیعی و منطقی کشور ما این است که تحریم‌های اقتصادی که سال‌هاست زندگی مردم را هدف قرار می‌دهند، لغو شده و شرایط اقتصادی عادی شود».

توافق بدون ضمانت معتبر فاقد اعتبار است

این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی در ادامه گفت: «اصول اساسی مذاکره ساده است: اگر قرار باشد ایران برخی از موارد را بپذیرد یا در مورد آن‌ها تصمیم گیری کند، در مقابل خواسته‌های تهران نیز باید مورد پذیرش قرار گیرد. تجربه خروج یکجانبه آمریکا از برجام، برای ایران نشانگر این واقعیت است که توافق بدون ضمانت معتبر، عملاً بی‌اثر است. بنابراین ایران در هر نتیجه احتمالی آینده باید سازوکاری داشته باشد که مانع از تکرار رفتارهای غیرقابل پیشبینی و غیرقابل اتکای گذشته شود. سازوکاری که تضمین کند تغییر دولت‌ها یا فشار لابی‌ها در آمریکا نتواند توافق را بی‌اثر کند».

وی درخصوص برنامه موشکی ایران تاکید کرد: «ایران موضعی کاملاً شفاف درباره توان دفاعی و برنامه موشکی خود دارد: این حوزه به هیچ‌وجه قابل بحث نیست و هرگز نخواهد بود. دلیل آن روشن است: برنامه دفاعی بخشی از برنامه امنیت ملی کشور است و در منطقه‌ای که مملو از تهدیدهای آشکار و پنهان است، تضعیف توان دفاعی مساوی با افزایش آسیب‌پذیری کشور خواهد بود. با توجه به مواضع روشن ایران، اگر تصمیم جدی برای رسیدن به توافق وجود داشته باشد، دستیابی به هدف کاملاً ممکن است. اما اگر آمریکا همچنان تحت فشارهای داخلی کنگره، رقابت‌های حزبی یا لابی‌های سختگیرانه اسرائیل باشد به نتیجه‌ای نخواهد رسید».

اشاره

نکاتی که شاید درباره تنگه هرمز ندانید

خلیج‌فارس و تنگه هرمز تنها یک پهنه آبی در جنوب ایران نیستند؛ این منطقه یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان به شمار می‌رود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، روزانه ده‌ها نفتکش عظیم و کشتی تجاری از گذرگاهی عبور می‌کنند که در باریک‌ترین نقطه تنها حدود ۳۳ کیلومتر عرض دارد، اما نقشی تعیین‌کننده در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. اهمیت این آبراه چنان است که هر تنش سیاسی یا نظامی در آن، بلافاصله بازارهای جهانی انرژی و تجارت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چرا خلیج‌فارس و تنگه هرمز اهمیت استراتژیک دارند؟

خلیج‌فارس در دل منطقه‌ای قرار گرفته که بیش از ۴۸ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت جهان و حدود ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی دنیا را در خود جای داده است. کشورهای ایران، عربستان سعودی، امارات، قطر، کویت و عراق همگی تولیدکنندگان اصلی انرژی جهان هستند و بخش عمده صادرات آنها تنها از یک مسیر عبور می‌کند: تنگه هرمز. تنگه هرمز حلقه اتصال خلیج‌فارس به دریای عمان و سپس آب‌های آزاد است. این تنگه نه‌تنها مسیر اصلی صادرات نفت خام، بلکه شاهراه انتقال گاز طبیعی مایع‌شده (LNG)، فرآورده‌های نفتی، مواد پتروشیمی و کالاهای اساسی است. نکته‌ای که کمتر مورد توجه عموم قرار می‌گیرد این است که خطوط کشتیرانی در تنگه هرمز بسیار محدود و مشخص‌اند؛ مسیر رفت و برگشت کشتی‌ها هر کدام حدود ۳ کیلومتر عرض دارند و میان آنها یک نوار حائل قرار دارد. این تراکم و محدودیت جغرافیایی، تنگه را به یکی از حساس‌ترین نقاط دریایی جهان تبدیل کرده است.

حجم مبادلات تجاری در تنگه هرمز چقدر است؟

بر اساس آمارهای بین‌المللی انرژی، روزانه بین ۲۰ تا ۲۱ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ یعنی حدود یک‌پنجم مصرف روزانه نفت جهان. افزون بر آن، بخش قابل توجهی از صادرات گاز طبیعی مایع‌شده قطر ـ که از بزرگ‌ترین صادرکنندگان LNG جهان است ـ نیز از همین مسیر منتقل می‌شود.

از نظر ارزش اقتصادی، تخمین زده می‌شود سالانه صدها میلیارد دلار کالا و انرژی از این گذرگاه عبور کند. تنها در بخش انرژی، ارزش مبادلات نفت و گاز عبوری از تنگه هرمز در سال می‌تواند به بیش از یک تریلیون دلار برسد؛ رقمی که نشان می‌دهد این آبراه، صرفاً یک مسیر منطقه‌ای نیست بلکه شاهرگ اقتصاد جهانی است.

نکته جالب آنکه برخی کشورها تلاش کرده‌اند با احداث خطوط لوله جایگزین، وابستگی خود را کاهش دهند؛ مانند خط لوله شرق به غرب عربستان یا خط لوله فجیره در امارات. با این حال، مجموع ظرفیت این مسیرهای جایگزین همچنان فاصله قابل توجهی با حجم عظیم صادرات عبوری از تنگه هرمز دارد.

اگر ایران تنگه هرمز را ببندد چه خواهد شد؟

ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و اشراف ساحلی گسترده بر شمال تنگه، نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت این آبراه دارد. هرگونه اختلال جدی در عبور و مرور کشتی‌ها، حتی برای چند روز، می‌تواند شوک بزرگی به بازارهای جهانی وارد کند.

پیامدهای احتمالی عبارت‌اند از:

جهش ناگهانی قیمت جهانی نفت و گاز
افزایش هزینه حمل‌ونقل دریایی و بیمه کشتی‌ها
نوسان شدید بازارهای بورس جهانی
فشار تورمی بر اقتصاد کشورهای وارد کننده انرژی
احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی برای بازگشایی مسیر
کارشناسان انرژی معتقدند در صورت توقف کامل صادرات از تنگه هرمز، قیمت نفت می‌تواند در مدت کوتاهی به سطوح بی‌سابقه‌ای برسد. چنین رخدادی نه‌تنها کشورهای غربی، بلکه اقتصادهای آسیایی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال باید توجه داشت که بستن کامل تنگه، به‌دلیل پیامدهای حقوقی، سیاسی و نظامی گسترده، سناریویی بسیار پرهزینه و پیچیده است و می‌تواند تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای در پی داشته باشد.

اهمیت این مسیر در مقیاس جهانی

در میان تمام گلوگاه‌های دریایی جهان ـ مانند کانال سوئز، باب‌المندب یا کانال پانما ـ تنگه هرمز از نظر حجم انتقال انرژی جایگاه نخست را دارد. در حالی که کانال سوئز برای تجارت کالاهای کانتینری اهمیت بالایی دارد، هرمز شاهراه اصلی انرژی جهان محسوب می‌شود.

به بیان دیگر، اگر کانال سوئز مسیر تجارت کالاست، تنگه هرمز مسیر «حوخت اقتصاد جهانی» است. اقتصاد صنعتی جهان بدون جریان پایدار انرژی از این منطقه، با اختلال جدی روبه‌رو می‌شود.

نکاتی مهم درباره تنگه نخست جهان

حدود ۲۰ درصد نفت مصرفی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند.
این تنگه در باریک‌ترین نقطه تنها ۳۳ کیلومتر عرض دارد.
سالانه صدها میلیارد دلار مبادلات انرژی و کالا از این مسیر انجام می‌شود.
هرگونه اختلال در این آبراه، بلافاصله بازار جهانی انرژی را ملتهب می‌کند.
موقعیت جغرافیایی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات امنیتی این منطقه دارد.

خلیج‌فارس و تنگه هرمز تنها یک مرز آبی برای ایران نیستند؛ این منطقه یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی سیاست، اقتصاد و امنیت در جهان امروز است؛ جایی که سرنوشت انرژی جهان از آن عبور می‌کند.

دیدگاه

جنگ کارت پستال فانتزی نیست

تعجبم از آنهایی نیست که تصاویری فانتزی و کارت‌پستالی از جنگ ترسیم می‌کنند، در عجبم از نخبگان و تحصیلکردگانی که این خیال‌بافی را باور می‌کنند!

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، فغان ز جغد جنگ و مرغوای او - که تا ابد بریده باد نای او - چه باشد از بلای جنگ، صعب‌تر - که کس امان نیابد از بلای او -ملک‌الشعرابهار-

شاید کاری از این سخت‌تر نباشد که در زمانه عصبیت و احساس بخواهی از توجه به رفتار عقلانی صحبت کنی. این درست مانند وضعیتی است که در یک استادیوم فوتبال، برای هواداران هیجازده دو تیم در مورد نظریات فلسفی سخن بگویی، ولی چه می‌شود کرد که در عرصه واقعی زندگی، چاره‌ای جز دعوت به عقلانیت نیست.

احتمالاً اهالی فرهنگ یادشان می‌آید که اواخر زمستان ۱۳۹۴، مرحوم عباس کیارستمی برای درمانی غیرفوری به بیمارستان رفت و جراحی شد. آن عمل می‌توانست به چند ماه بعد موکول شود، ولی هرچه بود، او شاید ترجیح می‌داد در اواخر زمستان زیر تیغ جراحی برود تا دوران نقاهت را در تعطیلات نوروز بگذراند و پس از تعطیلات پیگیر کارهایش باشد هرچه بود عمل انجام شد و برای گذران دوره نقاهت به خانه بازگشت.

اما متأسفانه، ناحیه عمل در ایام نوروز دچار عفونت بعد از عمل شد، آن هم در زمانی که دسترسی به همه چیز حداقلی می‌شود. استاد به همان بیمارستان رجوع کرد، ولی پزشک جراح برای تعطیلات نوروز به خارج از کشور رفته بود، بخشی دیگر از کادر تخصصی درمان نیز به همین دلیل غیرقابل دسترس بودند. مراجعه به بیمارستان‌های دیگر نیز چندان توفیری نداشت و تقریباً وضعیت همین بود. عفونت گسترش یافت و حال استاد بدتر شد، پس از تعطیلات طولانی نوروز نیز که کادر درمان به سر کار برگشتند، دیگر دیر شده بود، وضعیت مرحوم کیارستمی هر روز بدتر شد و نهایتاً درمان در فرانسه هم چاره‌ساز نشد و این‌گونه و به سادگی، یکی از درخشان‌ترین گوهرهای فرهنگ و هنر معاصر این سرزمین، دار فانی را وداع گفت. اتفاقی که خیلی سهل و آسان می‌توانست رخ ندهد.

اگر با فاصله و خارج از هر علاقه و عداوتی به این رخداد نگاه کنیم، نمی‌توان کسی را مقصر دانست. بیماری به اراده خود برای یک جراحی غیرفوری به بیمارستان رفته، بعد از عمل دچار عفونت در ناحیه عمل شده که امری استثنایی نیست.

پزشک معالج و کادر درمان، مثل تمام مردم دیگر، پس از یک سال کار مداوم در مرخصی و سفر بودند و قصوری اتفاق نیفتاده، و به همین سادگی، نادره دوران را از دست دادیم. اما فقط این نیست، تقریباً در همه موضوعات دیگر نیز تعطیلات نوروزی، یک جور «دوران هیچستان» است و دسترسی به همه آن چیزها که داشتنشان در ایام معمول، عادی است، به سختی فراهم می‌شود. تازه، مرحوم کیارستمی کم کسی نبود، بسیاری مباهات می‌کنند که یک عکس یا او داشته باشند؛ نه در ایران، که در بسیاری از نقاط جهان، ولی وقتی زمان دشواری برسد، حتی در ایام شاد نوروزی، کیارستمی هم که باشی، دست به جایی نمی‌رسد و همه آنهایی هم که پس از مرگش، در گوشه و کنار آلبومشان می‌گشتند تا عکسی با او ببینند، نیز نتوانستند کاری برایش بکنند.

حالا به جای ایام شاد نوروز، تلخ‌ترین وضعیت، یعنی زمانه یک جنگ فراگیر را در نظر بگیرید، آن هم نه مانند جنگ ۱۲ روزه که به همت باورنکردنی مقاومتی که متجاوزان به کشور تصورش را هم نمی‌کردند، به سرعت متوقف شد. منظورم وضعیتی است که در جنگ هشت ساله با عراق و در شهرهای مرزی با آن کشور داشتیم، نه در شهرهای دور از مناطق جنگی. اگر مرحوم کیارستمی با چنان جایگاهی، در ایام نوروز، دستش از درمان کوتاه بود، تصور کنید مردم عادی، در جنگی بارها سخت‌تر از جنگ هشت ساله، به چه مصائبی گرفتار خواهند شد؟! در یک ماه اخیر، بسیاری را دیدم که به هر دلیل تصویری سانتی‌مانتال و کارت‌پستالی از جنگ داشتند که در صورت وقوع آن همه چیز به سرعت و خوش و خرم تمام می‌شود؛ درست مثل تصاویر فیلم‌های هالیوودی. گویی آنها جنگ ۸ ساله را از یاد برده‌اند!

حقیقت آن است که متاسفانه یا خوشبختانه، بخش بزرگی از جامعه ما حتی آنانی که دوران جنگ هشت ساله را دیدند، از واقعیت جنگ بی‌خبرند. اما من که در آن جنگ از هستی ساقط شدم و در جنگ ۱۲ روزه هم خانه‌ام نیمه ویران شد، به جرات می‌گویم آنچه در جنگ اخیر تجربه کردیم، ـ با همه خسارت‌هایش ـ بیشتر یک شوخی بود.

جنگ واقعی یعنی ویرانی، یعنی مرگ عزیزانت که تنهایی باید دفنشان کنی، چنان که من برادرم را در خرمشهر چنین دفن کردم، یعنی آوارگی، یعنی گرسنگی، یعنی در تمامی روزها آب در لوله و آرد در نانوایی برای پخت نباشد. یعنی از دست رفتن بهداشت و درمان و دارو!

من صحنه‌هایی از روزهای مقاومت خرمشهر دیده‌ام که سال‌هاست کابوس من است. آنهایش که تلخ است را نمی‌گویم، فقط اشاره می‌کنم که بارها از جوی کوچه‌های شهر، آبی متعفن و بدبو نوشیدم، چون هیچ آبی برای خوردن نبود و از عوارض نوشیدن چنین آبی، هنوز دچار ناهنجاری دستگاه گوارشم. یا این‌که در آن روزهای مقاومت خرمشهر، فقط یک بار در رود کارون که جنازه احشام و اجساد انسان بر آن شناور بود، تن و بدن خود را شستم و تازه اینها خاطرات تلخ آن ۳۵ روز نبود. تعجبم از آنهایی نیست که تصاویری فانتزی و کارت‌پستالی از جنگ ترسیم می‌کنند، در عجبم از نخبگان و تحصیلکردگانی که این خیال‌بافی را باور می‌کنند! آخر چه‌طور باور می‌کنند که وقتی جنگی واقعی ـ و نه آن تجربهٔ ۱۲ روزه ـ در بگیرد، دیگر حتی نانی برای خوردن و آبی برای نوشیدن گیر کسی بیاید؟ و حتی وضعیتی همچون آنچه بر سر مرحوم کیارستمی آمد یک آرزو خواهد شد. جنگ یک کارت‌پستال فانتزی نیست.

مهرداد احمدی شیخانی